

■ رقصِ باد ، خنده ی گل.

بادِ سرد آرام بر صحرا گذشت سبزه زاران ، رفته رفته ، زرد گشت

باد سرد پائیزی ، به آرامی در دشت و صحرا شروع به وزیدن کرد . * سبزه زارها و درختان کم کم زرد شدند.

تک درختِ نارون ، شد رنگ رنگ زرد شد آن چتر شاداب و قشنگ

برگ های تنها درخت نارون داخل حیاط خانه نیز رنگارنگ شد . * شاخ و برگ آن که مانند چتری شاداب و زیبا بود زرد و پژمرده شد.

برگ برگ گل به رقصِ باد ریخت رشته های بیدُبن از هم گسیخت

با وزش باد پائیزی برگ های گل یکی یکی افتاد. * و شاخه های درخت بید ، که مانند رشته هایی در هم تنیده شده بودند از هم جدا شدند.

چشمه کم کم خشک شد، بی آب شد باغ و بُستان ، ناگهان در خواب شد

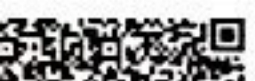
چشمه ها کم کم خشک و بی آب شدند . * و نا گهان تمام باغ و بستان ها ، درختان و گیاهان به خواب زمستانی فرو رفتند.

کرد دهقان ، دانه ها در زیر خاک کرد کوته ، شاخه ی پیچانِ تاک

کشاور دانه های گندم و جو را در زیر خاک کرد (بذرپاشی) . * و شاخه های اضافی درخت انگور را نیز کوتاه کرد.

فصلِ پائیز و زمستان می رود بار دیگر ، چون بهاران می شود ؛

فصل های زیبای پائیز و زمستان می روند . * و فصل زیبای بهار یک بار دیگر از راه می رسد.



چشمه جوشد ، آب می اُفتد به راه

از زمینِ خشک می روید گیاه

با رسیدن فصل بهار، از زمین خشک گیاهان سر سبز می روید . * و با آب شدن برف سر کوه ها ، چشمه های جوشان دوباره جاری می شوند.

سبز گردد، شاخسارانِ کهن

برگِ نو آرد درختِ نارون

درخت نارون برگ جدید می دهد و سرسبز می شود . * و شاخه های کهنه و قدیمی آن دوباره سرسبز می شوند.

پُر کند بوی خوشِ گل ، باغ را

گلِ بخندد ، بر سر گل بوته ها

بر روی بوته های گل ، غنچه ها شکفته می شوند . * و بوی خوش و دل انگیز عطر گل ها ، فضای باغ را پرمی کند.

باز می سازد در اینجا آشیان

باز می آید پرستو ، نغمه خوان

دوباره پرستو در حالی که آواز می خواند از کوچ زمستانی برمی گردد . * و برای خود بر روی درختان باغ ما لانه می سازد.